

# کلیات طرح پژوهش

## ۱- بیان مسئله

هجوم انتحاری به برجهای مرکز تجارت جهانی به عنوان نمادهای سرماییداری "جهانی شده" و ساختمان وزارت دفاع (پنتاگون) در آغاز هزاره سوم رخدادی عظیم بود که سرنوشت جامعه بشری را دگرگون و تاریخ روابط بین الملل را به دو برهه پیش و پس از این واقعه تقسیم کرد. در واقع این نخستین حمله مستقیم به قلمرو آمریکا پس از ۱۸۱۲م بود که عمق نفوذ پذیری و آسیب پذیری تنها ابرقدرت جهان را نمایان ساخت و به دوران گذار و آشفتگی حاکم بر روابط بین الملل پایان داد. تحول در اساسی ترین مفاهیم حقوق بین الملل از جمله جنگ صلح دفاع تجاوز و تروریسم گذار از نظام تک- چند قطبی به سیستم تک قطبی اهمیت دوباره منابع سخت افزاری قدرت افزایش دوباره وزن دولت ملی به عنوان بازیگر مهم در سطح بین الملل و غلبه پارادایم خشونت بر گفتگو از جمله مهمترین پیامدهای این رویداد هستند.

رویداد ۱۱ سپتامبر برای ایالات متحده آمریکا به منزله خروج از بحران معنا بود. پس از ۱۱ سپتامبر آمریکا توانست بر مبنای دوگانه جدید امنیت/تروریسم، جایگاه کشورها در جهان و مناطق گوناگون و همچنین نحوه شکل گیری دوستان و دشمنان، ائتلافها و ضد ائتلافها و اتحادها و ضد اتحادها را مشخص کند. بر مبنای دوگانه مذکور ایالات متحده در صدد ایجاد یک نظام دو قطبی جدیدی است که در آن خود نقش قطب برتر را ایفا کند و در عین حال قطب مقابل مانند اتحاد جماهیر شوروی نیرومند نباشد. در این چارچوب آمریکا اعلام نموده که کشورها یا با ما هستند و یا با تروریسم و در این میان بی طرفی بی معناست. این بدان معناست که سیاست بیش از هر زمان دیگری در محیط بین الملل ساده شده است و از آن

ابهام زدایی شده است. براین اساس کشورهایمانند ایران نیز می‌بایست در موقعیت جدید موضع خود را روشن نمایند و دیگر نمی‌توانند با استفاده از پیچیدگی محیط بین‌المللی در دوره پیشین به تعقیب منافع خود بپردازند<sup>(۱)</sup>

[آنچه مسلم است]، بعد از ۱۱ سپتامبر، در لفاظی رهبران آمریکا علیه ایران، ایران از کشوری که قبلاً با عنوان «یاغی» در سیاست خارجی آن مورد نظر قرار می‌گرفت و سیاست مهار نسبت به آن اجرا می‌شد به «محور شرارت» انتقال یافت که جزو منابع بلافصل تهدید برای امنیت آمریکا به شمار می‌رود و باید هدف جنگ علیه تروریسم قرار بگیرد.

[تاریخ روابط بین ایران و ایالات متحده پر از فراز و فرودهایی است ولی آنچه مشهود است] آمریکا بر پایه رویکرد تقابل گرایانه و نه تعامل گرایانه به ایران نگریده [است].<sup>(۲)</sup>

حمله نیروهای آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و متعاقب آن اشغال این کشور و فروپاشی رژیم بعثی عراق و حذف صدام حسین دشمن ایدئولوژیک ایران، منجر به روی کار آمدن شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، شد. آنها در طول سالیان دراز از حقوق سیاسی - اجتماعی خود محروم شده بودند. همچنین کردها که برای سالیان متمادی با حکومت بغداد درگیر بودند و خواهان حق تعیین سرنوشت به صورت خودمختاری در چارچوب دولت عراق بودند نیز وارد حکومت شدند. و دارای سابقه همکاری نزدیک و دو جانبه با ایران چه در دوره رژیم قبلی و چه در دوره جمهوری اسلامی ایران هستند.

علاوه بر آن باعث از قدرت خارج شدن اقلیت سنی شد، که از زمان تاسیس عراق به صورت انحصاری قدرت را در دست داشتند و بر شیعیان و کردها حکومت می‌کردند و آن‌ها در امر حکومت به کار نمی‌گرفتند، و از مواضع ضد ایرانی و ضد شیعی افراطی نیز برخوردار بودند. رژیم مخلوع بعثی عامل تهدیدزایی برای ایران در مرزهای غربی بود. ایران همیشه نگرانی امنیتی از ناحیه های

شرقی و به خصوص غربی خود داشت. و بیشتر تلاش هایش را صرف نگرانی های امنیتی خود در این دو محوری کرد. و انرژی کمتری باقی می ماند تا صرف فعالیت های رفاه و توسعه داخلی نماید.

اکنون با از بین رفتن دودشمن ایدئولوژیک ایران‌نگرانی ایران از حمله و تهدید از این دونا حیه تا حدودی بر طرف شده است. و می تواند توجه خود را صرف توسعه و آبادانی بیشتر کشور نماید.<sup>(۳)</sup>

نقش سازنده ایران در شکل‌گیری عراق جدید در چندین مرحله قابل ارزیابی است. در درجه اول، ایران با اتخاذ سیاست "بی‌طرفی فعال" نقش مهمی در تکمیل محاصره منطقه‌ای رژیم بعثی ایفاء کرد. علی‌رغم خطرات حضور و تهدید مستقیم آمریکا از طریق خاک عراق، ایران نه تنها از تغییر رژیم بعثی حمایت کرد، بلکه اعلام نمود که حتی در صورت لزوم به همکاری با ائتلاف نیروهای بین‌المللی در جهت منافع ملت عراق خواهد پرداخت. علی‌رغم توان عملیاتی بالای نیروهای ایرانی به دلیل تجربیات ناشی از جنگ ۸ ساله و شناخت سرزمین عراق، ایران هیچ‌گاه از نفوذ و قدرت عملیاتی خود در جهت ایجاد و گسترش ناامنی به عنوان ابزاری در جهت جلوگیری و رفع تهدیدات آمریکا استفاده نکرد. چرا که هرگونه بی‌ثباتی در درجه اول به ضرر ایران تمام می‌شد.

در درجه دوم، ایران با استفاده از نفوذ گسترده و طبیعی خود در شیعیان عراق، نقش مهمی در تثبیت امنیت و ایجاد تعادل در عراق جدید ایفا کرد. صحنه قدرت و سیاست در عراق در طول سالیان گذشته به گونه‌ای بود که شیعیان علی‌رغم دارا بودن اکثریت در کشور، هیچ نقشی در قدرت مرکزی نداشتند. شرایط جدید فرصت مناسبی برای گروه‌های مختلف شیعی فراهم می‌آورد تا برای اولین بار نه تنها هویت و موجودیت خود را مورد تأکید قرار دهند، بلکه قدرت سایر رقبا از جمله سنی‌ها را متعادل کنند. نقش سازنده ایران در پیگیری سیاست ایجاد

تعادل در صحنه قدرت مرکزی و با حضور تمامی گروه‌ها و هویت‌های سیاسی عراق قابل ارزیابی است. ایران همواره سعی کرده تا با حفظ زمینه‌های وحدت و ثبات از طریق ایجاد تعادل بین گروه‌های مختلف سیاسی در عراق، مانع از گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور شود.

نقش سازنده ایران وقتی بیشتر آشکار می‌شود که علی‌رغم دلبستگی طبیعی به نقش بیشتر شیعیان در عراق جدید، ایران به حمایت از تمامی گروه‌های سیاسی در داشتن سهم مساوی در مجلس عراق خصوصاً گروه‌های سنی پرداخت که به دلیل عدم مشارکت فعال در انتخابات عمومی دوران انتقالی دارای کرسی‌های کمتری بودند. از سوی دیگر، ایران در تمام کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه آینده عراق از جمله کنفرانس مهم قاهره حضور و مشارکت فعال داشته و نقش مثبت ایفا کرده است.

هماهنگی ایدئولوژیکی و نزدیکی فرهنگی میان دولت سرکارآمده در عراق با دولت و مردم ایران باعث افزایش نقش و نفوذ و قدرت ایران در عراق و بالطبع در کل منطقه-به دلیل اینکه عراق کشوری مهم در زمره جهان عرب و خصوصاً در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شود- شده است.

این افزایش قدرت از یک سونتیجه حذف مهمترین دشمنان ایران و ازسوی دیگر نتیجه، ویژگی‌های ساخت قدرت در منطقه، موقعیت برتر ژئوپلیتیک ایران، موقعیت ژئواکونومیک عالی، و جاذبه‌های قدرت نرم و ایدئولوژیک ایران در منطقه است.

مادر این تحقیق تحقیق دلایل افزایش قدرت ایران در عراق و بالطبع در سراسر منطقه و فرصت‌های بی‌بدیلی که برای ایران در عراق و در منطقه فراهم آمده، را بررسی و در ادامه سعی در تبیین چرایی حضور بیشتر و فعالتر ایران در منطقه در چهارچوب تئوری رئالیسم تدافعی می‌کنیم.

همچنین نگاه ها و نگرانی های کشورهای منطقه و فرامنطقه رانسبت به افزایش قدرت ایران  
واقدمات این کشورها برای متوقف کردن ویاجلوگیری ازافزایش بیشترقدرت ایران رانیزبررسی  
خواهیم کرد.

## ۲- سوال اصلی

جنگ آمریکاوعراق چه تاثیری برجایگاه قدرت ونفوذ منطقه ای ایران داشته است؟

## ۳- فرضیه اصلی

جنگ آمریکا با عراق باعث افزایش قدرت و نفوذ ایران درمنطقه به طورکلی و خصوصا در  
عراق شده است.

۴- سوال فرعی: جنگ آمریکا و عراق چه تاثیری بر حضور ایران درمسائل منطقه ای داشته

است؟

۵- فرضیه فرعی: جنگ آمریکا با عراق به دلیل به وجود آوردن تنگناهای امنیتی برای

ایران در منطقه باعث حضور پررنگتر وفعال ایران درمسائل منطقه ای  
درچارچوب "بازدارندگی" شده است.

## ۶- متغیرها

متغیرمستقل : جنگ آمریکا باعراق

متغیروابسته(پروژه) قدرت ونفوذ منطقه ای ایران

## ۷- سوابق پژوهشی

در ارتباط با موضوع و عنوان بیان شده این نوشتار(جنگ آمریکاوعراق وتاثیرآن برجایگاه  
منطقه ای ایران (مطالعه موردی عراق) کتاب و مقاله ای که به روند ها و دلایل افزایش قدرت

ایران در سطح منطقه ای پرداخته باشد و جود ندارد ولی در خصوص موضوع نظام سیاسی جدید عراق از کیهان برزگر چندین کتاب ومقاله به زبان فارسی موجود است. از جمله می توان به کتاب سیاست خارجی ایران درعراق جدید اشاره کرد که از سری کتابهای انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک می باشد. که نویسنده در این کتاب به ساخت قومی سیاست عراق اشاره و به چالش ها و فرصت های فراروی سیاست خارجی ایران در عراق جدید می پردازد. همچنین می توان به کتاب دیگر ایشان باعنوان ایران عراق جدید ونظام سیاسی -امنیتی خلیج فارس اشاره کرد که نویسنده در این کتاب با توجه به نقش جدید ایران در پی تغییرات منطقه ای از لزوم شکل گیری ترتیبات جدید سیاسی امنیتی در خلیج فارس بحث می کند.

همچنین ازایشان مقالاتی موجوداست که دررابطه با موضوع ایران وعراق جدید می باشند  
از آن جمله:

۱-- کیهان برزگر، «چالش های امنیتی ایران در عراق جدید»، مجموعه مقالات پانزدهمین کنفرانس بین المللی خلیج فارس، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تابستان ۱۳۸۴  
۲- کیهان برزگر، "ایران خاورمیانه وامنیت بین الملل"، سیاست خارجی سال ۲۲، شماره ۳،  
۱۳۸۷

۳- کیهان برزگر، "تضاد نقش ها بررسی ریشه های روابط خصمانه ایران وآمریکا بعد از حادثه یازده سپتامبر"، راهبرد، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۵  
۴- کیهان برزگر، "ایران وعراق جدید چالش ها وفرصت های پیش روی "دانشنامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۳

همچنین دررابطه با نوع نگاه کشورهای عربی به افزایش قدرت ایران درمنطقه می توان به کتاب ایران و اعراب نوشته محمود واعظی مجموعه مقالات ازسری انتشارات مرکز تحقیقات

استراتژیک و کتاب نگاه اعراب به ایران گفتمان‌ها و رویکردها نوشته عباس نجفی فیروزجایی، از سری انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اشاره کرد. که هیچ کدام از این کتاب‌ها رابطه ایران را بعد از اشغال عراق با کشورهای عربی در سطح منطقه‌ای از نگاه تئوریک بررسی نکرده‌اند و صرفاً به اشاره به رویدادها و نگاه اعراب به ایران از آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران بسنده کرده‌اند.

در زمینه افزایش قدرت نرم افزارانه ایران در منطقه بعد از اشغال عراق کتاب و مقاله خاصی که از نگاه تئوریک بررسی شده باشد وجود ندارد، که همزمان قدرت نرم ایران را با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مخصوصاً آمریکا مقایسه کرده باشد و تاثیر این افزایش قدرت نرم را در پروژه صلح اعراب-اسرائیل موسوم به قضیه فلسطین و همچنین پرونده هسته‌ای ایران با قدرت بزرگی چون آمریکا بررسی کرده باشد.

## ۸- اهمیت اهداف و علل انتخاب موضوع

با توجه به افزایش قدرت منطقه‌ای ایران بعد از بحران عراق و اشغال آن توسط آمریکا پژوهش‌هایی در مورد دلایل افزایش قدرت و نفوذ ایران برای هدایت برنامه‌های سیاست خارجه ایران در بهره‌گیری از فرصت‌ها و دفع چالش‌های پیش آمده لازم و سودمند است.

همچنین متناسب با افزایش قدرت ایران و حضور آمریکا در منطقه دو نوع تنگنای امنیتی برای ایران به وجود آمده است.

نخست حضور مستقیم نیروهای آمریکایی در مرزهای بلا فصل ایران همراه با احتمال ایجاد پایگاه‌های جدید نظامی.

دوم تهدیدهای ناشی از تغییرات سیاسی امنیتی جدید به خصوص در عراق<sup>(۴)</sup>



در درجه اول حضور آمریکا در اطراف مرزهای ایران با اهداف و راهبردهای خاص، مهم ترین عامل تاثیرگذار بر شکل گیری معمای جدید امنیتی این کشور است. بحث مسلط در غرب این است که سرنگونی طالبان و رژیم بعثی عراق، آسودگی خاطری را از لحاظ رفع تهدیدهای امنیت ملی برای ایران به وجود آورده است. اما از دیدگاه امنیت و منافع ملی این کشور حس جدید ناامنی و شاید تهدید بزرگتر، جانشین آنها شده است که همانا حضور گسترده و پرننگ آمریکا در منطقه برای زیر فشار قراردادان ایران در محیط بلا فصل امنیتی خود است.

به عبارت دیگر در شرایط جدید، ایالات متحده-با پیگیری سیاست های حضور دراز مدت در منطقه- خود متعادل کننده راهبردی، قدرت و نقش ایران در منطقه و نیز جانشین تهدیدهای امنیتی قبلی شده است.<sup>(۵)</sup>

از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر سیاست های دولت آمریکا بیشتر بر انزوای ایران در حوزه ژئوپلیتیک خود، ایجاد و تقویت ائتلاف های منطقه ای غیر دوست ضد ایران متمرکز بوده است. پیگیری چنین سیاست هایی سبب شده است تا جمهوری اسلامی ایران در واکنشی تدافعی به مقابله با اهداف آمریکا در منطقه بپردازد.

در درجه دوم معمای جدید امنیتی ایران به روند انتقال نظم سیاسی منطقه بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و چالش های ناشی از شکل گیری نظم جدید سیاسی امنیتی برمی گردد. از این لحاظ نیز سیاست های آمریکا برای سرکار آمدن دولت و نخبگان وابسته به خود در عراق و یا حتی همفکرو یا تبدیل عراق به مدلی به اصطلاح سیاسی و بالقوه برای مهار ایران با منافع ملی ایران در تضاد است، زیرا در عمل سبب حضور و نفوذ بیشتر آمریکا در منطقه می شود.

چنین سیاست هایی نه تنها امنیت ملی ایران را به خطر می اندازد، بلکه منجر به کاهش نقش و نفوذ ایران در محیط امنیتی خود به خصوص در منطقه خلیج فارس می شود.

معمای جدید امنیت منطقه ای این استسیاست هایی که از نظر آمریکا "افزایش امنیت منطقه ای" تعبیری می شود، همزمان برای ایران "کاهش امنیت منطقه ای" تلقی می گردد. به عبارت دیگر هر چند سقوط طالبان و بعث در اطراف مرزهای سیاسی ایران، ایران را در مرکز سیاست منطقه قرار داد و از این لحاظ زمینه های فرصت سازی زیادی برای ایران فراهم آورده است، اما از طرف دیگر چالش های امنیتی جدیدی برای ایران فراهم آورده است. مانند حضور در امتداد آمریکا در منطقه و ایجاد پایگاه های نظامی ایران، چالش های مشروع امنیتی ناشی از روند انتقال عراق به نظم جدید سیاسی-امنیتی و آثار آن بر منطقه و به ویژه ایران که می تواند باعث رقابت های ژئوپلتیک قومی، تقویت افراط گرایی سنی، جنگ داخلی مذهبی و احتمال تجزیه عراق.

از این لحاظ ایران لازم می داند تا برای رفع این تنگناهای امنیتی حضور بیشتری در منطقه داشته باشد. این حضور بیشتر را در چهارچوب افزایش امنیت نسبی و بازدارندگی در چهارچوب رئالیسم تدافعی تعبیر کرده است. و آمریکا و کشورهای عربی منطقه این افزایش حضور بیشتر را در چهارچوب افزایش قدرت نسبی و رئالیسم تهاجمی تعبیر و تفسیر می کنند.

برداشت و شناخت درست از اهداف واقعی افزایش قدرت و افزایش حضور بیشتر ایران در مسائل امنیتی منطقه دارای اهمیت زیادی برای آمریکا و کشورهای جهان عرب است. زیرا اگر این افزایش قدرت و نفوذ در منطقه را بر اساس رئالیسم تهاجمی تفسیر کنند انتخاب عقلانی برای آنها مهار و بازدارندگی ایران است، اما اگر آن را در چهارچوب رئالیسم تدافعی تعبیر کنند انتخاب عقلانی برای آنها همکاری با ایران و تلاش برای ادغام ایران در نظام سیاسی امنیتی جدید منطقه خواهد بود.<sup>(۶)</sup>

لذا ارائه شناختی درست از اهداف ایران در منطقه برانتخاب های بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای تاثیر متفاوتی خواهد گذاشت.

## ۹- روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده قرار گرفته در این پژوهش بصورت تبیینی - تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت و محتوای موضوع و نحوه ارتباط منطقی بین متغیرهای دخیل در آن ناگزیر از روش توصیفی نیز بهره گرفته شده است.

## ۱۰- روش گردآوری داده ها

روش گردآوری داده ها و اطلاعات موضوع بصورت استفاده از منابع کتابخانه ای آرشیوی و استفاده از نشریات و مجلات و منابع اینترنتی بوده که بصورت کتب و مقالات فارسی و لاتین در این نوشته مورد استفاده قرار گرفته است

## ۱۱- مشکلات و تنگناها

با توجه به جدید بودن موضوع تحقیق باید اذعان کرد که در خصوص موضوع کتاب یا مقاله فارسی و لاتین مربوط با عنوان و محتوای موضوع وجود نداشته و تحقیق حاضر حتی در استفاده از داده های اینترنتی با کمبود داده مواجه بوده و این کار پژوهشی را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده است.

## ۱۲- سازماندهی تحقیق

پژوهش پیش‌رو شامل کلیات طرح تحقیق، و چهارچوب تئوریک در قالب فصل اول تدوین شده است. که کلیات طرح تحقیق به ترتیب شامل بیان مسئله، سؤال اصلی فرضیه اصلی سوال فرعی فرضیه فرعی، متغیرهای مستقل و وابسته سوابق پژوهش اهمیت و اهداف پژوهش روش پژوهش روش گردآوری داده‌ها مشکلات و تنگناهای پژوهش می‌باشد. چهارچوب تئوریک رانظریه رئالیسم تدافعی قراردادیم و در این فصل ریشه‌ها و بنیادهای مکتب فکری رئالیسم در روابط بین‌الملل، تقسیم بندی‌های این نظریه، و سپس به معرفی اصول، بنیان‌ها، و مفروضه‌های رئالیسم تدافعی پرداخته ایم.

در فصل دوم به اهمیت حادثه ۱۱ سپتامبر در نظام بین‌الملل، دلایل حمله آمریکا به عراق، ۱۱ سپتامبر و تاثیر آن بر سیاست خارجه آمریکا، و در نهایت به جایگاه و اندیشه‌های نئومحافظه کاران در سیاست خارجه آمریکا پرداخته ایم.

در فصل سوم رابطه ایران با عراق از پایان جنگ تحمیلی تا سقوط صدام را بررسی و در آخر رابطه جمهوری اسلامی ایران را با عراق جدید مطرح کرده ایم.

در فصل چهارم حضور نظامی ایالات متحده در عراق و مساله ایران را مطرح کرده ایم. و به فرصت‌ها و چالش‌های حضور آمریکا در عراق برای ایران پرداخته ایم.

در فصل پنجم مهمترین پیامدهای حضور نظامی آمریکا در عراق در سطح منطقه ای را برای ایران ارائه کرده ایم که باعث افزایش قدرت ایران در منطقه شده است. همچنین سیاست‌های ایران در همکاری با تمام گروه‌های سیاسی عراق و فرصت‌های دوجانبه ای که برای ایران و عراق در سطح منطقه ای فراهم شده است بررسی شده است. و در ادامه به بازتعریف نقش منطقه ای ایران بر اثر تغییرات ژئوپلیتیک پیش آمده در منطقه و لزوم ایجاد نظام سیاسی امنیتی جدید در منطقه پرداخته شده است. رابطه ایران با کشورهای عربی منطقه در پرتو تحولات پیش آمده

شده و نظریه افزایش نقش منطقه ای ایران و دیدگاه‌های مربوط به آن ذکر شده، که در قالب دیدگاه‌های غربی و دیدگاه‌های نخبگان سنی جهان عرب مطرح شده است. و در نهایت سیاست‌های ایران نسبت حضور بیشتر در منطقه و دلایل امنیتی ایران برای حضور پررنگ در مسائل امنیتی منطقه آمده است.

در چهارچوب فصل ششم و آخرین فصل از پژوهش در دسترس کاهش قدرت نرم افزاری آمریکا و افزایش اعتبار ایران در منطقه مطرح شده است. در ادامه قدرت نرم ایران در لبنان و فلسطین بررسی شده و نوع تلقی جوامع خاورمیانه از سیاست‌های منطقه ای آمریکا مطرح و در نهایت محدودیت‌های استراتژیک آمریکا در برابر ایران در مورد پرونده هسته ای و فرصت‌های ناشی از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل پیش آمده برای ایران مطرح شده است.

## پینوشت ها

- ۱ پور سعید-فرزاد ۱۱ سپتامبر و تحول مفهوم منافع ملی گذار از منافع ملی به منفعت نظام جمهوری اسلامی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، ( پائیز و زمستان ۱۳۸۱ ) ص ۶۹۳
- ۲- طاعت، جواد ایران و آمریکا رویارویی یا تعامل؟ **اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال بیست و سوم**، شماره یازدهم و دوازدهم، ( مرداد و شهریور ۱۳۸۸ ) صص ۴-۷
- ۳- صدوقی، مراد علی تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر سیاست دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، ( پائیز و زمستان ۱۳۸۱ ) ص ۷۱۸

۴-برزگر، کیهان، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی، فصلنامه

روابط خارجی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۸، صص-۱۱۳-۱۵۳

۵-حاجی یوسفی، امیرمحمد، پیامدهای منطقیه ای حمله آمریکا به عراق با تاکید بر ایران،

گاهنامه برداشت اول، سال دوم، ویژه نامه شماره دوم، ص ۳۸

۶-خلیلی اسدا...، روابط ایران و آمریکا بررسی دیدگاه نخبگان امریکایی، تهران موسسه

مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲ ص ۱۰۸

## فصل اول

# چارچوب تئوریک

## سنت واقع گرایی کلاسیک

واقع گرایی به صورت مکتب اندیشه سیاست قدرت از آن یاد می شود. منظور از قدرت تغییر رفتار سایرین در زمینه دلخواه است. واقع گرایی در شکل کلاسیک در اثر توسیدید یعنی تاریخ جنگهای پلوپونزی مطرح شد که او بنیاد واقع گرایی را این جمله قرار می دهد حق فقط در بین برابرها وجود دارد حال آنکه قوی ترها آنچه را که می توانند انجام می دهند و ضعیف ترها از آنچه می خواهند فقط رنج می برند.



در عصر مدرن در اروپا ماکیاولی در کتاب شه‌ریار و هابز در کتاب لویاتان و فردریک ماینک در کتاب دلیل وجود دولت آنرا دنبال می کند. مایکل دوپل می گوید می توان ۳ سنت فکری واقع گرایی را با ۳ اندیشه کلاسیک پیوند داد.

بنیاد گرایی متأثر از ماکیاول

ساختار گرایی متأثر از هابز

تکوین گرایی که تحت تاثیر رو سو است.

در این که چه کسی نخستین واقع گرای بزرگ در تاریخ است اتفاق نظر وجود ندارد. از نظر دوئرتی، منسیوس و کاتیلیا نخستین واقع گرا می باشد. کاتیلیا در کتاب آرتاساسترا به توصیف جهان می پردازد براساس آنچه که هست نه بر اساس آنچه که باید باشد. آرنولد نیبور، آگوستین قدیس را نخستین واقع گرا می داند. ای-اچ-کار، هم ماکیاول را به خاطر ۳ عنصری که در بنیاد فکری او قرار دارد در این زمینه شاخص می داند، تاریخ و نظریه و جدایی اخلاق از سیاست. هابز با بدبینی نسبت به ذات انسان در شمار واقع گرا یان قرار می گیرد. او هم مانند ماکیاول اخلاق را از سیاست جدا می کند می گوید روابط بین الملل در وضعیت قرار دارد که جنگ همه علیه همه وجود دارد. او معتقد است میثا قها بدون شمشیر صر فاکلماتی هستند که نمی تواند انسان را حفظ کنند. هگل نیز جایگاه قدرت را مهم می داند باور هگل به اینکه مهم ترین هدف دولت حفظ خود است از بنیانهای واقع گرایی محسوب می شود. سیاست قدرت در زبان آلمانی یک نماینده دیگر دارد که هانریش فون تریچکه استبه نظر او جنگ بر بریت نیست بلکه آزمون الهی است که سرنوشت ملت‌ها را به حق تعیین میکند.<sup>(۱)</sup>

زمینه طرح نظریه واقع گرایی در نیمه قرن ۲۰

زمینه اصلی طرح نظریه واقع گرایی در بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد. در واقع، واقع گرایی نوین واکنشی دسته جمعی در مقابل آرمان گرایی بوده است. بحران اقتصادی 1929 روح همکاری بین المللی که در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۲۹ بوجود آمده بود را از بین برد. کشورهای توسعه طلب چون آلمان و ایتالیا و ژاپن در صدد تجدید نظر در تقسیمات ارضی و توسعه ثروت خود برآمدند. در شرایطی که میلیونها تن در طول جنگ درگیر شدند و دیگر اهداف آرمان گرایی نمی توانست معنای چندان داشته باشد. تفکر اصلی در بعد از جنگ این بود که راه حل نهایی برای جنگ وجود ندارد و توسل به منافع مشترک در بقاء و توسل به حکومت جهانی به جای نظام مرکب از دولتها، جملگی پوچ است. بنابراین ناگزیر سیاست بین الملل بعد از دو جنگ، مبارزه قدرت بوده است. بنابراین واقع گرایی در واکنش به بحران نظام بین الملل و ضربه آن به بنیانهای فکری و فلسفی آرمان گرایانه شکل گرفت.

## بنیان فکری واقع گرایی قرن ۲۰

واقع گرایان دولت را بازیگر اصلی صحنه سیاست بین الملل تلقی می کنند و معتقد هستند که سایر بازیگران مانند شرکتهای چند ملیتی و به طور کلی سازمانهای غیر حکومتی در چهار چوب روابط میان دولتها عمل می کنند، در حالی که دولت در سطح داخلی قادر به اعمال اقتدار می باشد در سطح خارجی در یک نظام فاقد اقتدار مرکزی با سایر دولتها در همزیستی به سر می برد. در چنین محیطی دولتها با یکدیگر رقابت می کنند و ماهیت این رقابت بر اساس بازی با حاصل جمع صفر تعیین می گردد. واقع گرایان ضمن تاکید بر قدرت و منافع ملی بر این اعتقادند که اصولاً از بین بردن غریزه قدرت صرفاً یک آرمان است. بنابراین تعقیب و

کسب قدرت یک هدف منطقی و اجتناب ناپذیر سیاست خارجی به شمار می رود. آنها برای استقلال دولتها اهمیت زیادی قائل هستند و معتقدند که در نبود حکومت جهانی، عملاً دولتها در حالت مبهم به سر می برند و همزیستی از طریق حفظ موازنه قدرت حاصل می شود. آنها اعتقادی به انقلاب در سیاست بین الملل ندارند زیرا معتقدند اگر بازیگران جدیدی در صحنه وارد شوند بعد از مدتی مشخصات بازیگران قبلی را پیدا می کنند و در صدد تامین امنیت و منافع خود خواهند رفت. مفهوم دیگر مورد نظر واقع گرایان آشوب زدگی است منظور این است هیچ حکومت مرکزی در نظام بین الملل نیست و کنترل مطلق بر کل نظام وجود ندارد و دلیل تمایز عرصه داخلی از عرصه بین المللی همین نبود اقتدار در سطح جهانی می باشد. در واقع محیط یا نظام دولتی که دولتها در آن زندگی می کنند اساساً آنارشیک است و آنارشیک بودن نظام دولتی در واقع ریشه در برداشت هابز در زمینه برقرار بودن وضعیت طبیعی در روابط بین الملل دارد.<sup>(۲)</sup> از نظر آنها تعارض و رقابت به عنوان رابطه ای است که در نظام بین الملل حرف اول را می زند..

برخی نویسندگان واقع گرا که افکارشان از اواخر نیمه نخست قرن ۲۰ تاثیر عمده ای بر رشد این مکتب گذاشت عبارتند از: ای-اچ-کار، آرنولد نیبور، فردریک شومان، ریمون آرون، جرج کنان.

### هانس مورگنتا

هانس جی مورگنتا بیشترین تاثیر را بر تدریس روابط بین الملل در دانشگاه ها داشت و از سوی دیگر نظریه نسبتاً جامعی از روابط بین الملل ارائه داده است و او را تنها کسی میدانند که به ارائه یک تبیین منطقی و دارای انسجام درونی از رفتار دولتهای ملی پرداخته است.

کتاب سیاست میان ملتها او را مهم ترین کتاب در رهیافت نظری روابط بین الملل می دانند. می توان او را از نظر معرفت شناختی کاملاً مدرن دانست. او قائل به کاربرد خرد و تجربه در شناخت است، به همین دلیل دیوید مک‌لند نظریه مورگنتا را از محرکهای اصلی انقلاب رفتاری می داند. مورگنتا هم مانند دیگر نظریه پردازان واقع گرا سرشت انسان را شرور می داند که این شرارت او در قدرت طلبی اوست.

مورگنتا نظام بین الملل را آنارشیک می داند، اینکه نظام بین الملل فاقد اقتدار مرکزی است وجه تمایز آن با جامعه داخلی است. او بر نبود اقتدار مرکزی تاکید دارد. در این شرایط آنارشیک است که توسل به زور میان دولتها مشروعیت میابد و جنگ به خصوصیت نظام بدل می شود. در واقع منافع ملی و قدرت دو مفهوم اصلی و کلیدی نظریه او است، برداشت مورگنتا از قدرت رابطه ای است مورگنتا گاه قدرت را به عنوان هدف و غایت سیاست در نظر می گیرد، هر چه دولتها از قدرت بیشتری برخوردار باشند بهتر می توانند منافع خود را در سطح بین الملل تامین کنند. گاهی نیز قدرت را به عنوان ابزار مطرح می کند که در این جا عناصر قدرت ملی اهمیت پیدا می کند که از نظر او عناصر قدرت ملی جغرافیا، منابع طبیعی، توان صنعتی، آمادگی صنعتی و روحیه ملی و عناصر مشابه هستند در واقع قدرت در این جا چند بعدی و غیر قابل تعریف عملی و بیشتر ذهنی است. مفهوم دیگر منافع ملی میباشد که گاه آنرا به مثابه قدرت تعریف می کند و گاه براساس قدرت مفهوم منافع ملی را جوهر سیاست تلقی می کند. در واقع قدرت لازم و ضروری است. یکی دیگر از مفاهیم مورد نظر مورگنتا موازنه قدرت است که از این اصطلاح این طور برداشت می شود که در آن روابطی میان کشورهاست که در آن هیچ یک آن قدر قدرت ندارد که به تنهایی دیگران را تحت سلطه قرار دهند. از نظر او قدرتهایی که در سیاست بین الملل از وضع موجود راضی هستند سیاست حفظ وضع موجود،